

انواع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم

نجف لکزایی^۱

حمید حبیبی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰

چکیده:

پاسخ به این سؤال که انواع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم کدام است و اسمشان چیست هدف مقاله حاضر است. الگوی اسلامی و بومی فرا نظریه دو فطرت امام خمینی (ره) برای انضمامی نمودن انواع قدرت نرم انتخاب گردید. حاصل مراجعه به تفاسیر و بررسی گزاره‌های مرتبط این شد که می‌توان گفت قرآن کریم قدرت نرم را در دو نوع حقیقی و کاذب توصیف نموده است. نوع حقیقی متّصف به متعالیه در مقابل کاذب و وهمی موصوف به متدانیه است. متعالیه است چون خاستگاهش *عَلَمُ الْعِلَلِ* هستی است، فرد و جامعه بار یافته به محضر خدای سبحان و متعالی گردیده، آن را از طریق تمسک به ارزش‌های مورد تأکید قرآن کریم و دوری از ضد ارزش‌ها تولید می‌کند. هرچه شدّت و غلاظ این حضور و تقرب متعالی‌تر و درونی کردن ارزش‌های الهی عمیق‌تر باشد، ذات هستی‌بخش ممکنات را در چارچوب نظام آفرینش با آن‌ها هماهنگ‌تر و همراه‌تر می‌کند. این فرآیند تا آنجا تعالی می‌یابد که به مثابه «مثل الاعلی» الهی گونه قدرت نرم متعالیه جلوه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، قدرت، قدرت نرم، قدرت نرم متعالیه و متدانیه

۱- najaf_lakzaee@yahoo.com

۱- دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی

۲- دانش‌آموخته دوره دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیئت‌علمی دانشکده شهید محلاتی (نویسنده

hhabibi.41@gmail.com

مسئول)

مقدمه:

قدرت را توان تأثیرگذاری روی رفتار دیگران و وادار کردن آنان به تبعیت می‌نامند. از این رو از دیرباز مورد تأمل قرار گرفته است. کشوری قدرتمند است که از توان تأثیرگذاری بیشتری برخوردار باشد. زمانی قدرت مشروع بر اساس این فرمول تعریف می‌شد:

(جمعیت + سرزمین + حکومت + حاکمیت) (برنامه + اراده جنگیدن) = قدرت مشروع

اما در حال حاضر این فرمول پاسخگو نیست و نیاز به محافظ دارد. این محافظ عبارت است از: افکار عمومی + آگاهی + اطلاعات + قدرت تولید اطلاعات + قدرت انتقال آن به افکار عمومی. امروز کسی با بشار اسد در سوریه می‌جنگد که متقاعد شده از این طریق می‌تواند به بهشت رود. این متقاعدسازی در سایه فرمول مذکور است که از آن می‌توان به قدرت و شیوه متقاعدسازی یا محافظ منابع و جریان اعمال قدرت یاد کرد. دغدغه ذهنی مستمر انسان نسبت به چیستی محافظ منابع و جریان اعمال قدرت و فهم سرشت آن، ارائه نظریه قدرت نرم را در پی داشته است.

به دلیل وجود تفاوت‌ها در مبانی، نظریات غربی نمی‌تواند با اندیشه اسلامی سازگار بوده و کارایی لازم را داشته باشند؛ بنابراین تبیین مفهوم قدرت نرم و ارائه چارچوبی بومی و دینی ضروری است. از سوی دیگر جنگ نرم رقیب سبب بروز مسائل و مشکلات عدیده در نظام جمهوری اسلامی ایران شده است. حرکتهای سازمان یافته رقیب، به دلیل وجود زمینه و بسترهای مناسب داخلی، به سرعت رشد و نمو کرده و معضلات فراوان اجتماعی و فرهنگی را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی ایجاد می‌کنند؛ نظریه آن‌ها در جامعه اسلامی مطرح، تدریس می‌شود و مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد و در برابر این نظریه‌ها، نظریه بومی هم وجود ندارد تا دیگر محققان بر مبنای آن راهبرد و راهکارهای مناسبی برای مقابله با تهدیدات و جنگ نرم تهیه و تدوین کنند.

این مسئله مهم با توجه به تأکیدات متفکر و اندیشمند بزرگ اسلامی مبنی بر این‌که «آیات کریمه قرآن در اختیار ماست؛ این‌ها را باید تئوریزه کنیم؛ به شکل نظریه‌ها و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج در بیاوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان...» و این توصیه که «بررسی و نقد نظریه‌های رایج دنیا، بدون انفعال [صورت گیرد]» (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی): ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)؛ از یک سو و تکلیف و انگیزه دینی از سوی دیگر، اقتضا می‌کند، بررسی شود که

انواع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم کدام است و اسمشان چیست؛ مطلوب قرآن کریم کدام است؟ همچنین با توجه به ابعاد جدید قدرت به ویژه قدرت نرم با کمک کدام چارچوب فرا نظری با رویکردی تأسیسی و تحقیقی بنیادی بایستی مفهوم سازی کرد؟ پاسخ به این پرسش ها دغدغه پژوهش حاضر است.

اهمیت و ضرورت:

اهمیت و ضرورت تحقیق از دو منظر ایجابی و سلبی قابل بررسی است:

۱- ایجابی:

الف- ضرورت نظری: انسجام بخشی به نظرات و مفاهیم مرتبط به موضوع قدرت نرم و پیشنهاد چارچوبی نظری و بومی، برطرف کردن خلأ موجود جامعه علمی، برای نیل به اجماع نظر؛ همچنین تولید کردن معنای مناسب و مطلوب بومی و عملیاتی شده از قدرت نرم و رهنمون ساختن جامعه علمی.

ب- ضرورت کاربردی: کمک به توسعه نظری و عملیاتی این مفهوم و به تبع آن امنیت و افزایش ضریب امنیت ملی؛ ارائه چارچوبی بومی مرتبط با قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم به عنوان گام نخست برای طراحی یک راهبرد ملی مناسب و کارآمد در راستای توانمندسازی تولیدکنندگان و کارگزاران قدرت نرم به منظور ایفای نقش و مشارکت در عرصه انجام وظیفه ای خطیر برای دولت اسلامی.

پ- ضرورت راهبردی: قدرت نرم از جمله مفاهیمی است که برنامه عملیاتی اولیه برای آن طراحی شده و در دستور کار برخی از ارگان های رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است. این در حالی است که ابعاد نظری آن، آن چنان که شایسته و ضروری می نماید مورد بررسی قرار نگرفته است. به همین دلیل از حیث راهبردی با اشکال اساسی آگاهی بخشی روبرو است. جامعه به دلیل عدم آشنایی با این مقوله آمادگی لازم برای همراهی با مجریان و یا مساعدت ایشان از طریق تحمل مشکلات و پرداخت هزینه های لازم در مقام اجرا را ندارد. از این رو ارائه چارچوب بومی مرتبط با قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم از حیث آگاهی بخشی و ارتباط اقناعی مطلوب، ضروری است؛ از این رو فهم قرآنی قدرت نرم بر طراحی «برنامه عملیاتی قدرت نرم» مقدم می باشد. منظور از فهم بومی در اینجا، فقط «شناخت بومی» نیست بلکه مجموع اقداماتی را

۱۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷ ————— ♦
شامل می‌شود که این پدیده را برای «جامعه اسلامی ایران» معنادار ساخته و نوعی دغدغه و نیاز
مشترک را پدید می‌آورد.

۲- سلبی: در صورت فقدان چارچوب نظری قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم پیامدهای زیر
متصور است:

یک - بازخوانی اسلامی نظریه قدرت نرم برای بهره‌گیری از این پدیده در موضوعات مهمی
چون «بومی‌سازی علوم انسانی» و «استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران» کافی
نیست؛

دو - وجود خلأ چارچوب نظری درباره مسائل مستحدثه‌ای چون قدرت نرم از دیدگاه قرآن
کریم و استفاده جامعه اسلامی از نظریه غربی به‌منظور تحصیل قدرت، مطلوب نیست؛

پیشینه تحقیق: دغدغه پرداختن به مفهوم متعارف «قدرت نرم» در فضای گفتگمانی موجود، در میان
برخی از مراکز حوزوی و دانشگاهی و به‌تبع آن پژوهشگران علاقه‌مند به توسعه نظام اسلامی
به‌ویژه در ابعاد ملی و امنیتی در این حوزه، وجود دارد؛ اما به لحاظ موضوع و محتوا به‌طور عمده
به چستی و چرایی نظریه غربی‌ها درباره موضوع پرداخته‌اند و به اقتضای بحث با استناد به
آموزه‌های دینی بازخوانی اسلامی نمودند. اتخاذ روش مبتنی بر «بازخوانی» به‌جای برداشتن
گام‌های جدی‌تر برای تولید نظریه بر چارچوب و ضعف نظری و توقف در شناخت و نقد،
پژوهشگر را بر آن داشت به‌منظور برون‌رفت از این وضعیت با عنایت باری تعالی با قرآن‌پژوهی
چارچوبی مفهومی از انواع قدرت نرم استنتاج و پیشنهاد کند.

هدف تحقیق: کشف انواع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم هدف تحقیق حاضر است.

سؤال اصلی: انواع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم کدامند و نامشان چیست؟

نوع تحقیق: تحقیق حاضر کیفی، به لحاظ ماهیت اکتشافی و با توجه به هدف بنیادی و موضوع
مدار است.

روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: از روش تفسیری، فرانظریه دو فطرت، نظریه دلالت
به‌ویژه قسم مطابقی آن و قیاس استنباط برای پاسخگویی به سؤال تحقیق استفاده شد. با توجه به
سنخ شناسانه بودن تحقیق و مبتنی بودن بر دلالت مطابقی، نیازی به تأیید یافته‌ها از سوی جامعه
نخبگی نبود (لک‌زایی: ۹۵/۱۱/۲۳). اما محقق به‌منظور استحکام و حصول اطمینان، در مواردی اگر

از دلالت‌های تضمینی و التزامی کمک گرفته می‌شد، برخی نخبگان، کارشناسان از جمله محققین پژوهش‌های قرآنی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن کریم مرتبط با موضوع را از طریق مصاحبه و پرسشنامه درگیر کرد.

تعریف قدرت نرم: در تعریفی پسینی چنانچه تأثیرگذاری الف بر ب در حالت فقدان ستیز منافع صورت گیرد و از طریق تشویق، ترغیب و...تحقق یابد، «نفوذ» نامیده می‌شود و الف را برخوردار از وضعی می‌سازد که «اقتدار» نامیده می‌شود. اما آنگاه که تأثیرگذاری الف بر ب در حالت ستیز منافع صورت گیرد و از طریق اجبار و زور تحقق یابد؛ قدرت نامیده می‌شود. از این نوع قدرت اگر ناظر بر منازعات و تخصم‌ها باشد، به «قدرت سخت» تعبیر می‌شود و نوع نخست «قدرت نرم» نامیده می‌شود. مرز مفهومی نفوذ و قدرت نرم در این نکته است که نفوذ می‌تواند بر قدرت سخت مبتنی باشد (Nye, 2004:5). بنابراین قدرت نرم صرفاً توانایی انجام کار یا توانایی کسب نتیجه دلخواه نیست، بلکه عبارت از توانایی شکل یا تغییر دادن ترجیحات یا اولویت‌های دیگران است تا بر اساس آنچه ما می‌خواهیم فکر یا رفتار کنند (ره پیک، ۱۳۸۷: ۴۴).

در تعریفی بومی‌سازی شده قدرت نرم به توانایی تصرف در پدیده‌های هستی و هماهنگ کردن آن‌ها با خود، شکل دادن یا تغییر ترجیحات یا اولویت‌های دیگران در چارچوب سنت‌ها و ضوابط حاکم بر نظام هستی برای رشد و کمال خود و دیگران در جهت قرب الهی اطلاق می‌شود (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی): ۹۴/۶/۴).

ادبیات و مبانی نظری:

قدیمی‌ترین مدرک درباره قدرت نرم به دوران کنفوسیوس برمی‌گردد. این فیلسوف چینی از لائوتسه بنیانگذار مذهب تائو پرسید: تائو چیست؟ لائوتسه دهانش را گشود، ولی چیزی نگفت. کنفوسیوس لبخند زد ولی شاگردانش گیج شدند. کنفوسیوس توضیح داد: لائوتسه در طریقت از ما پیشی گرفت. در دهان او، دندانی وجود ندارد، بلکه تنها یک زبان است. قدرت نرمی بیشتر از قدرت سختی است، این است تائو.

با ظهور ادیان، به‌ویژه اسلام و گسترش سریع آن‌ها در جهان، نقش قدرت نرم برجسته‌تر گردید و تبدیل به یک عامل سرنوشت‌ساز شد. اسلام نه بر اساس قدرت سخت، بلکه با تکیه بر قدرت نرم گسترش یافت. از قرن شانزدهم و شکل‌گیری نظام ملت دولت و سلطه یافتن

اندیشه‌های مادی‌گرایانه در غرب، به تدریج قدرت نرم به فراموشی سپرده شد و یا تحت‌الشعاع قدرت سخت قرار گرفت.

اگرچه استفاده از اقتناع به‌جای اعمال زور ریشه تاریخی دارد، اما استفاده خاص از این کلمه برای اولین بار توسط پروفیسور مولانا (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴) و بعد توسط جوزف نای نظریه‌پرداز آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط» در نشریه آتلانتیک در مارس ۱۹۹۰ مطرح گردید (گلشن پژوه، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۳). جوزف نای معتقد است که آمریکا دارای بزرگ‌ترین قدرت نرم جهان است. اگر آمریکا با توجه به شرایطی که دارد تنها ۲ درصد از مبالغ ناخالص داخلی را، به برنامه‌هایی اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقاء دهد و هم کمک‌های مؤثر و اطلاعات مورد نظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت‌تر و عمیق‌تر از قدرت سخت دست خواهد یافت؛ که به آن قدرت نرم می‌گوییم.

قدرت نرم از نظر نای، شیوه جدیدی از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه‌های سنتی است که موجب می‌شود یک کشور کاری کند تا کشورهای دیگر، همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد. وی این امر را قدرت اقتناع هم نامیده است (نای، ۱۳۸۳: ۱۴۹). نای معتقد است وقتی همه نظر مشترک دارند و فقط بر سر چگونگی انجام کاری بحث دارند، قدرت نرم می‌تواند مشکل را بهتر حل کرده، یک کشور را در موقعیت ممتاز قرار داده و شانس ایفاء نقش مسلط را به آن بدهد. نای در ۲۰۰۴ در کتاب خود با عنوان «قدرت نرم ابزار موفقیت در سیاست جهان» به تفصیل در مورد ماهیت قدرت، منابع قدرت نرم (آمریکا و دیگران) و نحوه صحیح به‌کارگیری قدرت نرم در داخل و خارج توضیح داده است. وی همچنین در این کتاب به پیشینه تاریخی استفاده از قدرت نرم اشاره می‌کند (نای، بی تا: ۱۶۳-۱۴۷).

هرچند مفهوم قدرت نرم در گفتمان غربی، با انگیزه اصلاح تلقی سخت‌افزارانه از قدرت مطرح شده است، اما سبب پیدایش تلقی تازه‌ای گردیده که تا حدود زیادی با اصول انتقادی اندیشمندان مسلمان از گفتمان غربی منطبق است. به عبارت دیگر رویکرد نرم‌افزارانه حامل گزاره‌های انتقادی متعددی نسبت به قدرت سخت غربی است و اصلاح قدرت بر مبنای این اصول جدید، آن را به اصول معرفت‌شناختی پیشنهادی اسلام نزدیک‌تر می‌سازد. از این رو تعاریف ارائه شده به‌رغم این که جامع و مانع نیستند اما می‌توان با ارائه انواع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم و بیان نسبت آن با گزاره‌های بیرونی، تصویری هدفمند، نظام‌مند ارائه نمود. چنان‌که حضرت امام

(ره) به صراحت اظهار داشته‌اند، بنیان قدرت در نظام اسلامی بر دو رکن دین و مردم استوار است و همین امر آن را از مکاتب بشری که به صورت افراطی به یکی از این دو منبع اتکاء دارد، متمایز می‌سازد. «اساس کار جمهوری اسلامی تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت‌ها و مبارزه با فساد و فحشا و تدوین قوانین است که در همه زمینه‌ها... با توجه به معیارهای اسلامی اصلاحات لازم را به عمل آورد که این اصلاحات با مشارکت کامل مردم خواهد بود» (امام خمینی، بی‌تا: ۵۵). در تعبیری رساتر می‌فرماید: «چنانچه آن خط معنوی را رشد دادید یکی‌تان یک فوج می‌شوید. یک نفر دیگر نیستید... یک قطره می‌شود دریا» (صحیفه نور، ج ۷: ۴۷). در همین خصوص اسلام‌شناس بزرگ قرن تأکید دارند: «توجه به معنویت و ارتباط با خدا توان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را افزایش می‌دهد و این تحقق وعده خدا و نصرت الهی است» (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی): ۸۷/۹/۶).

مبانی قدرت نرم: برای شناخت نظریه قدرت نرم، بررسی اجمالی مبانی آن ضروری است. هر مکتب امنیتی بر تعریف خاصی از هستی و انسان استوار است. برای نمونه، پیروان مکتب ایدئالیسم که به لحاظ انسان‌شناسی از کانت متأثرند و انسان را موجود عاقل و نیک‌اندیش می‌دانند، معتقدند که اصل در این جهان بر همکاری برای صلح و امنیت است و انسان‌ها همان‌طور که توانسته‌اند برده‌داری را ریشه‌کن کنند، می‌توانند جنگ و ناامنی را نیز از بین ببرند. تشکیل دولت جهانی راه‌حل اصلی در تأمین امنیت جهانی است. این در حالی است که نگاه مادی‌گرایانه هابز به هستی و دید بدبینانه او به انسان، سبب پدید آمدن مکتبی امنیتی، متفاوت از مکتب امنیتی کانتی، گردید. مکتب امنیتی رئالیست‌هایی مانند جوزف نای، به لحاظ معرفت‌شناختی پلی میان نگرش‌های هرمنوتیک و پوزیتیویستی است. روش شناخت رئالیستی نه مانند نگرش مارکس فقط بر ساختار تأکید می‌ورزد و نه مانند جامعه‌شناسی ماکس وبر بر نقش کارگزار (فرد) تکیه می‌کند. از منظر رئالیستی، عامل و ساختار در تکوین و تکامل هم مؤثرند. معرفت، مصون از سنجش تجربی نیست، اما همین سنجش تجربی نیز در غیاب فهم ذهنی از توضیح پدیده‌های اجتماعی عاجز است. به عبارت دیگر آزمون و خطا مکمل حدس ذهنی است و میان عین و ذهن یک نسبت ضروری برقرار است. در این نسبت تبیین علی مقدم بر توصیف و تجویز است (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۳۹-۱۳۷).

مکتب رئالیسم نگاه مادی به هستی دارد و بر آن ماده‌باوری حاکم است. ماده‌باوری به تکوین خودبه‌خودی هستی گفته می‌شود. بر این اساس همه‌چیز حتی خود خدا، محصول کاوش ذهنی

انسان است. این نگاه مادی به مقولات عمیق ذهنی و خارج از تصور خواندن خداوند، زمینه را برای تبیین مادی بشر و رفتارهای او (لویاتان هابز) فراهم نموده است (همان: ۱۴۹).

این مکتب به لحاظ انسان‌شناسی، معتقد است چون انسان دارای سرشتی غیرعقلانی، خودپرست، لجوج و خشن است، پس اصل در این جهان بر ناامنی است و دولت‌ها باید تلاش کنند تا ناامنی را مدیریت کنند. این مکتب قدرت را تولید کننده و نگهدارنده امنیت می‌داند. از نظر این مکتب همه جوامع به لحاظ طبیعت ناامنی که دارند سعی خواهند کرد با افزایش قدرت از آسیب‌پذیری خود بکاهند. از این نگاه و بر اساس نظریه تنازع بقاء داروینسم اجتماعی، دولت‌های قوی‌تر، از امنیت بیشتری برخوردار خواهند بود. نتیجه این‌که روابط افراد و دولت‌های واجد حاکمیت مشحون از خصومت و رقابت‌ورزی است. با مفروضه‌های فوق وقوع جنگ، حتمی و اقدامات آرمان‌گرایانه حقوقی بسیار کم اثر است. از این رو برای کاهش میزان خشونت‌ها باید دیپلمات‌ها را به ابزارهای علمی و دیپلماتیک لازم (قدرت نرم) مسلح کرد. نظریه قدرت نرم با چنین خاستگاهی با این توجیه که کارآمدی قدرت سخت همچون گذشته نیست، برجسته گردید.

تبارشناسی قدرت نرم در جامعه اسلامی: واژه قدرت نرم در منابع و متون اسلامی استعمال نشده است؛ اما مفهوم آن را به‌وفور در قالب واژه‌هایی مثل تعالی معنوی، معنویت، لطیف و... می‌توان یافت. چنانچه در خصوص مفاهیمی چون سیاست این‌گونه بوده است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای قدرت نرم اسلام برای مردم شبه‌جزیره عربستان، برقراری جامعه‌ای امن بود که در آن مردم نسبت به جان، مال و ناموس خود احساس امنیت می‌کردند؛ در حالی که ویژگی اساسی دوران جاهلیت، حاکمیت هرج و مرج توأم با ناامنی شدید بوده است (رنجبر، ۱۳۸۴: ۴-۷۳). این جامعه امن بیش از هر عامل دیگری محصول جاذبه معنویت اسلام و رهبری الهی آن بود. مراحل ظهور و بروز قدرت نرم در تاریخ صدر اسلام و دوران حکومت نبوی را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود:

اول. زمینه‌سازی: طی آن پیامبر گرامی اسلام (ص) با توجه به نیازهای مردم یثرب، با مدیریت گسست‌های اجتماعی «نیاز- پاسخ»، «خواسته- بایسته» و «آرمان- واقعیت» در جامعه آن روز اقدام به ارائه الگویی مناسب از سیاست و حکومت می‌نماید که با ابتناء بر سازوکارهای نرمی چون ایثار، استقامت، وحدت، تبعیت از رهبری و روحیه جهادی، توانایی ایجاد صلح و ثبات و امنیت را در جامعه دارد.

دوم. تأسیس نظم نوین اسلامی: طی آن پیامبر (ص) از طریق تصدی زمام امور مسلمانان در مدینه و اعمال قدرت، الگوی نوینی از صلح و امنیت را عرضه داشتند.

سوم. بحران: در پی رحلت رسول خدا (ص) از طریق احیاء گسست‌های پیشین و کم‌رنگ شدن معنویت، این وضعیت پدیدار شده و به بروز ناامنی درون جامعه اسلامی می‌انجامد. نمونه‌هایی از تاریخ اسلام بر فعال شدن این گسست‌ها در پی رحلت آن حضرت دلالت دارد و در پی آن گذار امنیتی منفی متأثر از سازوکارهای سوزاننده قدرت نرم شکل گرفت. سازوکارهایی چون: تفاخر در مقابل تعبد، قدرت ارزش در مقابل ارزش قدرت، تقابل در مقابل تعامل و منافع در مقابل مصالح. در دوران میانه هیچ راه دیگری جز توسل به شمشیر برای تسهیم در قدرت وجود نداشت و همواره با تولید نظریه‌های پسینی اهل حل و عقد، استخلاف، شورا، استیلا و وراثت دولت خلافت، بر حفظ اجتماع و یکپارچگی مسلمانان و لزوم تبعیت از سلطان و خلیفه تأکید می‌شد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۱ و افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰).

از قرن هفتم هجری حدود دو قرن دوره فترت است. از آن نظم سلطانی قابل توجه هم نشانی نیست. پس از تشکیل سه امپراتوری عثمانی، صفوی و گورکانی نظم سلطانی و دولت خلافت احیاء گردید. دولت صفویه با رساندن نسب خود به امام موسی کاظم (ع) مشروعیتش را بر اساس تشیع بنا کرد و در ظاهر از نظم دینی تبعیت می‌نمود؛ اما چالش میان سیاست دینی و نظم سلطانی یکی از زمینه‌های وقوع نهضت مشروطیت و انقلاب اسلامی گردید (حشمت زاده، ۱۳۷۸: ۵۹-۵۷).

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دوره احیای دولت امامت را در پی داشته است. بنای حرکت جامعه بر اساس اسلام حقیقی (نظم دینی) قدرتی را به منصفه ظهور گذاشته که دشمنانش از آن به قدرت نرم یاد کردند. این حرکت به سمتی است که تصویری دولایه از پدیده قدرت حاصل می‌آید که صبغه نرم‌افزارانه آن بر ملاحظات سخت‌افزارانه مسلط است.

انواع قدرت نرم: نوع نگاه به مبانی در چیستی و چگونگی ساخت، تولید، نوع، شیوه‌ها، کاربرد و استفاده از ابزارهای قدرت نرم تأثیر تعیین‌کننده کیفی و کمی، محتوایی، شکلی و ظاهری دارد. مبانی قدرت نرم شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی می‌شود. در حوزه معرفت‌شناسی اگر کسی ابزار شناخت را فقط در حس و تجربه و عقل ابزاری می‌داند، قدرت نرم را در قلمرو آن به اثبات و ثبوت می‌رساند و ماورای آن را نمی‌تواند ثابت کند. قدرت نرم برای این گروه فقط در

قلمرو امور مادی معنا دارد. برخلاف کسی که همه ابزارهای معرفتی را در نظر می‌گیرد و از نازل‌ترین آن، حس و تجربه تا مرحله‌عالی؛ یعنی کشف و شهود عرفانی عرفا و عالی‌تر؛ یعنی وحی و کشف انبیاء و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) استفاده می‌کند.

همچنین قائل است که تدبیر و تبیین عالی‌ترین و کامل‌ترین نوع قدرت نرم تنها از عهده‌ی خدای حکیم برمی‌آید که آفریننده انسان است و این روش را در قالب آیات و امدادهای الهی به پیامبرش ارائه داده است. بی‌شک در حوزه هستی‌شناسی هم نگرشی که انسان را مستقل فرض می‌کند با نگاهی که انسان را موجودی وابسته به خدای سبحان می‌داند، نمی‌تواند درباره قدرت نرم دیدگاه یکسانی داشته باشند. اگر انسان موجودی مستقل بوده، به هیچ مبدأ به وجود آورنده‌ای و امدار نباشد، قدرت نرم خاص خود را خواهد داشت و اگر به سببی به نام خداوند وابسته باشد که او را به وجود آورده است، قدرت نرم دیگری. «كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است (سوره اسراء: ۲۰).

به بیان روشن‌تر کسی که خالقی برای خود قائل نباشد قدرت نرم او انسان‌محور است و کسی که برای خود خالق بپذیرد و او را بشناسد، قدرت نرم او با مخلوق بودن او و خالق بودن خدای او متناسب است. انسان باورمند به خدا چون مبدأ وجودی خود را خالق قادر متعالی می‌داند، نمی‌تواند آن مبدأ پیدایش خویش را لحظه‌ای نادیده انگارد و در عاملیت و فاعلیت تولید قدرت نرم مستقل از مبدأ فاعلی خود (خداوند) عمل کند (احمدی: ۱۳۹۵/۹/۲۲).

دو نوع نگرش به هستی و گل سرسبد آن انسان وجود دارد؛ یک نگرش، هویت انسان را هم در ناحیه خلقت و هم در ناحیه تدبیر امور به غیر (خالق) وابسته می‌داند و نگرش دیگر که تنها در مرحله خلقت، وابستگی انسان را به غیر خود می‌پذیرد و در مرحله تدبیر امور وی را مستقل فرض می‌کند. لذا در ارتباط با بحث قدرت نرم دو نتیجه کاملاً متفاوت وجود دارد، زیرا کسی که خالقیت و ربوبیت خداوند را نسبت به انسان پذیرفت، منشاء اصلی (علة العلیل) قدرت نرم را نیز همان خداوند می‌داند؛ اما کسی که فقط خالقیت خدا را پذیرفته و به ربوبیت او باور ندارد، در واقع منشاء تولید قدرت نرم را میل و هوای نفس خود قرار می‌دهد. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوًىةً» (سوره جاثیه: ۲۳).

معاذباوری و اعتقاد به اینکه هستی غایتی دارد و انسان زندگی دوباره خواهد داشت؛ نگاه خاص خود را به قدرت نرم خواهد داشت و اگر به حیات تازه و آخرت برای انسان، باوری وجود نداشته باشد؛ باید قدرت نرم دیگری برای او تعریف کرد. وقتی انسان موجود ابدی و حیطه حیات او به عالم ماده محدود نشد و معاد را حق دانست و بازخواست و حساب و کتاب پس از مرگ را حتمی و قطعی دانست، معاد و حیات ابدی جزء واقعیات زندگی انسان شد، باید قدرت نرم متناسب با آن تشریح شود؛ در نقطه مقابل اگر کسی به چنین عقیده‌ای پایبند نبود و حیات خود را موقت و در محدوده همین دنیا دانست قدرت نرمش متفاوت خواهد بود (لک زایی: ۹۴/۳/۱۷). قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (سوره جاثیه: ۲۴).

در چنین تفکری، هویت محدود مادی انسان، اصل تلقی می‌شود و هر آنچه پیرو امیال و خواسته‌های او باشد حق است، هرچند واقعاً باطل باشد. در مقابل، چیزی که برای او ناخوشایند باشد، باطل است، هرچند واقعاً حق باشد «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ» (سوره بقره: ۲۱۶). بنابراین پذیرش یا نپذیرفتن این حقیقت می‌تواند بر قدرت نرم انسان اثر بگذارد و سهم تعیین کننده‌ای داشته باشد. با عنایت به دو مبانی مذکور، فرانظریه دو فطرت حضرت امام (ره) و منطق پاسخ‌دهی قرآن کریم می‌تواند در ارائه یک چارچوب مفهومی در قرآن پژوهی درباره انواع قدرت نرم به کار آید.

فرانظریه دو فطرت: فرانظریه دو فطرت امام (ره) از نظریات بسیار مهم و تأثیرگذار در عرصه علوم اسلامی و انسانی است. بر اساس مبنای حضرت امام (ره) نوع اول هفت تیپ نظریه‌اند و دیگری یک نظریه (لک زایی: ۱۳۹۴). مقصود ایشان از فطریات، آن اموری است که جمیع سلسله بشری در آن متفق باشند و هیچ عاداتی، مذهبی، محیطی و اخلاقی در آن تأثیر نکنند. وحشیّت و تمدن، بدویّت و حضریّت، علم و جهل و ایمان و کفر و سایر طبقه‌بندی‌های سلسله بشری، امور فطریه را تغییر ندهد و آنچه اختلاف بین آن‌هاست، در اصل، امر فطری نیست، بلکه اشتباه در مصداق است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۹۹).

فطرت الهی، فطرت اصلی و مخموره است، زیرا کمال حقیقی است و به تبعی و اصلی تقسیم می‌شود. اصلی عشق به کمال و تبعی تنفر از نقص که به تبع از کمال است و در اثر آن به کمال می‌رسد. فطرت دوم محجوبه است و به تبعی و عرضی تفکیک می‌شود. اصلی عشق به کمال

۲۲ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷ ————— ♦
وهمی مثل ثروت است و تبعی تنفر از نقص، یعنی شامل هر آنچه مانع از دستیابی به ثروت است، می‌شود (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۶: ۱۷۷ و لک‌زایی: ۱۳۹۶/۹/۱۸).

انسان‌شناسی مدنظر امام (ره) بر اساس مبانی حکمت متعالیه، صادر شده است که استنباط وجوه نظریات مذکور از آن منطقی‌تر خواهد بود. برحسب آنکه چه تعریفی از انسان ارائه شود و چه استعدادها و نیروهایی برایش تعریف شود، نظریه قدرت نرم هم متفاوت می‌شود. کسی که انسان را مرکب از جسم و روح می‌داند با کسی که انسان را فقط موجودی مادی می‌بیند، دو نوع قدرت را برای انسان قائل می‌شوند. همچنین، این بحث به تعریف از قوای انسان بازمی‌گردد. اینکه برای انسان چه قوایی و برای هرکدام از قوا، چه تعریفی ارائه شود، باز در تعریف قدرت نرم نقش دارد (لک‌زایی: ۱۳۹۲/۸/۱۹).

حضرت امام (ره) با توجه به قوایی که برای انسان برشمرده، هشت نوع انسان را معرفی کرده‌اند. به نظر ایشان، به لحاظ آفرینش، غیر از عقل، سه نیروی دیگر هم در وجود انسان هست: شهوت، غضب و نیروی وهم و شیطنت؛ بنابراین در کنار عقل، سه نفس دیگر هم وجود دارد: نفس بهیمی و حیوانی، نفس سبعی و نفس شیطانی. از این رو، با توجه به نوع تربیت، انسان‌های مختلفی شکل می‌گیرند. یکی انسانی است که ریاست وجودش را قوه شهوانی و حیوانی برعهده گرفته و دیگر قوا در خدمت این قوه قرار می‌گیرند. به نظر امام (ره)، این انسان به لحاظ وجودی به نوعی حیوان، مانند گاو تبدیل می‌شود. گاو، تمام همتش در زندگی صرف خوردن و خوابیدن می‌شود و صرفاً به دنبال تأمین نیازهای حیوانی است؛ یعنی در پی بقای خودش به لحاظ جسمی است. «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (سوره فرقان: ۴۴).

دسته دوم انسان‌هایی هستند که پیوسته به دنبال خشونت و صدمه زدن به دیگران می‌باشند. در این انسان‌ها قوه سبعی، ریاست وجود را برعهده می‌گیرد و قوای دیگر به خدمت این قوه درمی‌آیند. این دسته از انسان‌ها، اگر از عقل هم استفاده می‌کنند، برای این است که به طرف مقابل خیلی جدی‌تر بتواند آسیب برسانند. این‌ها انسان‌های درنده‌خو می‌شوند. به لحاظ تشبیه، ایشان می‌فرمایند مانند گرگ و پلنگ می‌شوند «وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ» (سوره فجر: ۱۰).

دسته سوم انسان‌هایی هستند که قوه شیطنت بر آن‌ها حاکم می‌شود و قوای دیگر در خدمت این قوه قرار می‌گیرند. (انسان شیطانی) «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمْ... كَمَا تَلَّ

الشَّيْطَانُ...» (سوره حشر: ۱۶-۱۱). انسان‌هایی هم از ترکیب این قوا به وجود می‌آیند. در واقع، انسانی پدید می‌آید که ریاست وجودش بر عهده دو یا سه قوه از این قواست. برای مثال، انسانی که قوه شهوانی و درندگی، هر دو بر وجودش ریاست می‌کند، می‌شود «گاو پلنگ» یا اگر قوه حیوانی و شیطنت بر او ریاست می‌کند، می‌شود «گاو شیطان». همچنین، درنده‌خویی و شیطنت، باهم، می‌شود «پلنگ شیطان»، «گرگ شیطان». اگر هر سه قوه باهم ریاست کنند، می‌شود «گاو پلنگ شیطان». یک انسان هم هست که عقل بر وجود او ریاست می‌کند که همین موجود عاقل است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۴۹) و قرآن کریم به اولی‌الالباب یاد می‌کند. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (سوره آل عمران: ۱۹۰).

بنابراین، هشت نوع انسان در دو گروه کلی تعریف می‌شود: گروه نخست مبتنی بر فطرت محجوبه (انسان حیوان‌صفت، انسان درنده‌خو، انسان شیطان‌صفت، انسان حیوان‌صفت درنده‌خو، انسان حیوان‌صفت شیطانی، انسان درنده‌خوی شیطانی، انسان شهوت‌گرای درنده‌خوی شیطانی) و گروه دوم مبتنی بر فطرت مخموره یعنی انسان عاقل است. این دو گروه هرکدام یک نوع قدرت نرم را تولید می‌کنند. بعضی قدرت نرم حیوانی است؛ یعنی تمام تلاش مربی صرف پرورش جسم انسان می‌شود. برخی قدرت نرم، شیطانی است. بعضی دیگر، سبعی است. برخی قدرت نرم ترکیبی است. تنها یک نوع قدرت نرم هست که عقلانی است. عقل آن قوه‌ای است که به انسان می‌گوید علاوه بر کمال جسم، باید به کمال روح هم توجه کرد. بر اساس آموزه‌های عقل، انسان باید به پرورش روح خودش نیز بپردازد. در واقع، العقل «ما عبد به الرحمن» (کلینی، ج ۱: حدیث ۳).

به همین دلیل، در تعریف و تعبیر امام، دین به کمک عقل در برابر آن سه قوه دیگر آمده است. انسان به قوه حیوانی احتیاج دارد، زیرا نیازهای حیوانی دارد. به قوه غضبیه نیز محتاج است تا در برابر دشمنان از خود دفاع کند. قوه وهمیه نیز برای آن است که فریب شیطان را نخورد؛ بنابراین، همه این‌ها برای بقای انسان لازمند، ولی به شرط اینکه تحت تدبیر عقل قرار بگیرند. دین برای محدود کردن و کنترل این سه قوه و کمک به عقل در بیدار کردن فطرت مخموره آمده است. انسان عاقل، انسانی است که در برابر تهدیدات ناشی از غلبه فطرت محجوبه و قوای آن به ندای فطرت مخموره و دین پاسخ گوید. چنین انسانی، متعالیه می‌شود (لک زایی: ۱۳۹۲/۸/۱۹ و لک زایی، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۱).

انسان متدانیه، اگر عاقل هم باشد، عقلش فقط محدود به دنیا می‌شود؛ یعنی در همان سه قوه محصور می‌شود. این انسان، چون از آن سه قوه استفاده می‌کند، عاقل است، ولی تفاوتش با انسان عاقل متعالیه و متدین، این است که عقلش ریاست وجودش را بر عهده ندارد، بلکه عقل تحت تأثیر آن سه نیرو قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، عقل دارای تعلق شده است: تعلق شیطانی (سوره حشر: ۱۶) یا تعلق درنده‌خویی و یا تعلق شهوانی در حکمت متعالیه هم آمده که انسان باید با چنگ زدن به معارف الهی، سعی کند خودش را در مسیر تعالی قرار بدهد (لک زایی، ۱۳۹۰: ۵۰).

حضرت امام (ره) از مفسران شناخته شده قرآن کریم است. فرا نظریه دو فطرت را هم از قرآن گرفتند. ایشان از آیه فطرت (سوره روم: ۳۰) و آیه لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ --- ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (سوره تین: ۵-۴) استفاده کردند. «أَحْسَنَ التَّقْوِيمِ» فطرت مخموره (الهی) و «أَسْفَلَ سَافِلِينَ» فطرت محجوبه (مادی) است. از این رو در مقاله حاضر از این فرانظریه به‌عنوان بخشی از چارچوب نظری برای دسته‌بندی و تنظیم داده‌ها استفاده شد. نظریه‌های متدانی برگرفته از بخش وجود مادی و متأثر از فطرت محجوبه است و دیدگاه متعالی برگرفته از بخش وجود عالی و ناشی از فطرت مخموره است. نظریه‌های قرآنی تعالی محور است. چون مبتنی بر «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...» (سوره آل عمران: ۶۴) است. از جمله آنچه در حوزه قدرت نرم بیان می‌شود، توحید محور و قدرت نرم متعالیه است که مدل مطلوب قرآن کریم است و آنچه نقد می‌شوند نظریه قدرت نرم متدانیه هستند (لک زایی: ۱۳۹۲/۸/۱۹).

منطق پاسخ‌دهی قرآن کریم: از آنجا که پژوهش حاضر مبتنی بر روش سنخ‌شناسانه است؛ یعنی به کشف دیدگاه قرآن کریم درباره قدرت نرم معطوف است. به این منظور از روش تفسیر موضوعی استنتاجی یا به نطق درآوردن_ منسوب به شهید صدر_ و روش تفسیری قرآن به قرآن استفاده شد (معرفت، ۱۳۸۰: ۴۹۸ و خلیلی شورینی، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۶). در این روش گزاره‌هایی از قرآن کریم به‌طور مستقیم گفتار یا رفتار خدای تعالی مبنی بر پاسخ‌دهی را بیان می‌کنند. خدای تعالی در مقام تعلیم، در گزاره‌هایی گفتار یا رفتار خاصی را برای پاسخ‌دهی از پیامبران یا مؤمنان طلب می‌کنند و یا گزاره‌هایی است که در آن‌ها گفتار یا رفتار برخی انسان‌ها بیان و تأیید شده یا دست‌کم رد شده است. گزاره‌های نوع نخست از حیطه علوم انسانی خارج است ولی می‌توان نتایج آن را در زمره

علوم انسانی درج کرد. زیرا هدف این است که با الهام از فعل الهی به الگویی برای رفتار انسان رسید (بهمنی، ۱۳۹۴: ۳۳ و لک زایی: ۹۵/۱۱/۲۳).

جستار مبتنی بر دلالت مطابقی انواع قدرت نرم در قرآن کریم: در این مقاله قرآن پژوهی مفصلی که حساسیت نظری آن علاوه بر معتبر بودن منابع تفسیری به تأیید نخبگی - که در همه آیتم‌ها از میزان ACP بالای ۹۰ درصد برخوردار بودند - رسیده؛ انجام گردید. طی این فرایند در قرآن کریم به قدرت نرم به‌طور ویژه پرداخته شده است.

تصریح معنویت، علو و تعالی معنوی (سوره حشر: ۶)، عزت (سوره فاطر: ۱۰)، درجات (سوره یوسف: ۷۶)، رفعت (سوره مجادله: ۱۱)، صعود (سوره فاطر: ۱۰)، عروج (سوره نجم: ۹-۸)، فلاح (سوره مجادله: ۲۲)، حیات طیبه (سوره نحل: ۹۷) و قرب الی الله (سوره مریم: ۵۲) به‌عنوان مفاهیم معادل قدرت نرم در آیات قرآن کریم شاهد بر این مدعا است. همچنین استفاده از عباراتی چون خالق هستی تنها موجودی است که ویژگی‌های علت هستی‌بخش را داراست، از این رو منبع اصلی و حقیقی قدرت نرم هم او است. سرآمد عوامل و کارگزاران هدایت انسان‌ها به‌سوی غایت هستی معصومین علیهم‌السلام و اولیای الهی هستند که به اذن الهی و طی شکل‌گیری و تحقق لایه‌های سه‌گانه بینشی، گرایشی و کنشی قدرت نرم و به‌مثابه «مثل الاعلی» از چنین قدرتی برخوردارند.

دیگر انسان‌ها نیز مشروط به همراه شدن با برگزیدگان و رهبران الهی توانایی تولید و اعمال قدرت مذکور را در راستای تحقق نظام آرمانی و غایات و اهداف خالق هستی خواهند داشت. چراکه بر اساس نظریه فطرت مخموره، همه انسان‌ها از فطرت کمال طلبی برخوردار هستند. کسب قدرت و به‌خصوص نوع نرم آن یکی از موارد کمال است. در خصوص قدرت نرم، همه انسان‌ها به دنبال هیبت، شکوه، جذابیت، قدرت اقناعی و اعتبار داشتن هستند. مسئله این است که همان‌طوری که انسان درباره دیگر کمالات اشتباه می‌کند، ممکن است مبتنی بر نظریه فطرت محجوبه درباره قدرت نرم نیز گرفتار توهم گردد. مبنای قدرت نرم، جذب با ایجاد جاذبه‌ها است، اما این جذابیت‌ها می‌تواند حقیقی و بر اساس کمالات حقیقی آفرینش باشد که انسان‌هایی را که فطرتاً کمال‌خواه و دوستدار زیبایی می‌باشند، جذب گردیده و به ندای فطرت پاسخ مطلوب دهند، عمل صالح انجام دهند، رفعت و عزت یافته (سوره فاطر: ۱۰) و بر اساس حدیث قدسی قرب

نوافل به نقل از امام صادق (ع) (اصول کافی، ج ۲: ۳۵۲) جوارح او کار خدایی کنند (جوادی آملی: ۷۱).

تعبیری از متفکر و اندیشمند بزرگ اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص علل عمده نصرت الهی آمده که برای بیان این منظور گویا است: «ترس نداشته باشیم و بدانیم که «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (سوره فتح: ۴). همه امکانات عالم و سنن عالم، جنود الهی هستند، می‌توان آن جنود الهی را پشت سر خود قرار داد و به کمک خود کشاند با توکل بر خدا، با پیمودن راه خدا... (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی): ۹۴/۶/۴).

قدرت نرم حقیقی: قرآن کریم در قصه حضرت موسی (ع) به زیبایی نشان داده که خداوند چگونه همه امکانات عالم و جنود الهی را پشت سر آن حضرت قرار داد و پازل معیت را کامل کرد و اراده فرعون به‌رغم همه امکاناتش منجر به هلاکت خود او گردید. از سوی دیگر نشان می‌دهد عبد بودن، همت، تلاش و استقامت آن حضرت هم در ایجاد سرمایه اجتماعی و استمرار این توفیق از علل عمده بوده است. این داستان زمینه‌ها و عوامل کلیدی که به قدرت نرم موردنظر قرآن کریم بعد می‌دهد را به‌وضوح نشان می‌دهد. این زمینه‌ها و عوامل کلیدی، گویای ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های این نوع قدرت نرم نیز است:

- تعلیم و تزکیه تحت هدایت الهی: «وَ اصْطَفَيْنَاكَ لِنَفْسِي» (سوره طه: ۴۱) یعنی من تو را خالص برای خودم قرار دادم و همه نعمت‌هایی که در اختیار توست فقط و فقط از من و احسان من است. پس تو خالص برای منی، مضمون این آیه با آیه «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا» (سوره مریم: ۵۱) روشن می‌شود. وقتی بنده «مُخْلَص» شد و صاحب و مولا او را پسندید، به او اذن می‌دهد تا کار خدایی انجام دهد. در این حالت عبد قادر است هستی را برای انجام مأموریت در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با خود هماهنگ کند. این ظرفیت مؤلفه قدرت نرم متعالیه و فعلی که انجام می‌شود، شاخص آن است. تعلیم و تزکیه هم اولین اقدام پیامبر گرامی اسلام (ص) بود تا مردم با تلاوت قرآن کریم در معرض آیات الهی قرار گرفته، تزکیه شوند، سرمایه اجتماعی شکل گیرد و مدینه با قرآن فتح شود.

- برخورداری از امکانات، اسباب و امدادهای غیبی الهی: «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَاِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (سوره قصص: ۷) «وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْل» (همان: ۱۲).

فرعون پسران بنی اسرائیل را برای پیشگیری از خطر براندازی حکومتش به دست کودکی به نام موسی که متولد خواهد شد، می‌کشت تا آن حضرت را هم کشته باشد. اما فرعون خود دشمنش موسی نبی (ع) را حتی در سطح فرماندهی بال و پر داد. «وَ تُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ تَرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (همان: ۶) «و در زمین مکتشان داده و از همین ضعفاء به فرعون و هامان و لشکریانشان، آن سرنوشتی را نشان دهیم که از آن می‌گریختند» «وَ اسْتَكَبَرَ هُوَ وَ جُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ» * فَأَخَذْنَاهُ وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (همان: ۴۰ - ۳۹).

خداوند متعال در این آیه کریمه هم از این امکانات از جمله در بعد سیاست و حکومت چنین یاد می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَقَوْمِ اذْكُرُوا اللَّهَ عَالِمَكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَ آتَيْنَكُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» (سوره نساء: ۲۰).

- بی‌اثر بودن خواست انسان در مقابل اراده الهی: «فَأَلْتَقَطَهُ آءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ» (سوره قصص: ۸) دستورات الهی را باید اجرا کرد، چون اسراری در آن نهفته است که شاید در نظر ابتدایی، معقول نیاید. اگر خدای قاهر نخواهد، دستگاه عریض و طویل فرعون هم از تأمین غذای یک کودک عاجز است «وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ» (همان: ۱۲). حضرت موسی (ع) هم اراده کرد برود خبر بیاورد یا برای اهلش شعله‌ای آتش بگیرد؛ اما خداوند اراده دیگری کرده بود. از آنجا که دست خداوند در شیوه وحی باز است، می‌تواند به دل‌ها الهام کند، یا این‌که بر انسان‌ها فرشته نازل نماید «وَ مَا كَانَ لِشَرِّ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا» (سوره شوری: ۵۱). این بار از درون درختی ایجاد صوت نموده با پیامبر برگزیده‌اش سخن گفت. خداوند برای اجرای اراده خود، فکرها و دیدها را در مسیر خاصی قرار می‌دهد. خداوند از هر چیزی می‌تواند معجزه‌ای بیافریند «أَلَيْكَ عَصَاكَ ... كَأَنَّهَا جَانٌ» (سوره قصص: ۳۱) (قرآنی، ۱۳۸۸: ج ۷: ۵۰) (طباطبائی، ج ۱۶: ۴۶) (طباطبائی، ج ۱۵: ۴۸۸-۴۹۰) و پیروزی انبیا الهی در سایه آیات الهی را محقق سازد: «فَلَمَّا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنْ

اتَّبِعْكُمْاَ الْعَلِيُّونَ» (سوره قصص: ۳۵) از این رو عاقبت اهل ایمان نجات و رستگاری است: «نَجَوْتُ» (همان: ۲۵).

- تحمل مشقت‌ها و رنج سفر، برای شاگردی کردن عالم: «لَا أُبْرَحُ حَتَّىٰ أُبْلَغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا» (سوره کهف: ۶۰) «به یاد آر آن زمانی را که موسی به جوان ملازم خود گفت مدام راه می‌پیمایم تا به مجمع البحرين برسم و یا روزگاری طولانی به سیر خود ادامه دهم.» «...هَلْ أُتْبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا» (همان: ۶۶). کلمه «رشد» در آیه شریفه، مفعول له و یا مفعول به است؛ و معنای آیه این است که: موسی گفت آیا اجازه می‌دهی که با تو بیایم و تو را بر این اساس پیروی کنم که آنچه خدا به تو داده برای اینکه من هم به‌وسیله آن رشد یابم به من تعلیم کنی؟ و (یا) آنچه را که خدا از رشد به تو داده به من هم تعلیم کنی؟» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۴۷۱-۴۷۴).

- مقدم بودن شرط حکمت بر علم برای احراز جایگاه رهبری الهی: «آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» (سوره قصص: ۱۴) از نگاه حکیمی چون حضرت امام (ره) حکیم تشخیص می‌دهد که قدرتی را که در اختیار دارد در چه شرایطی اعمال کند و در چه شرایطی اعمال نکند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳: ۱۶۸) این حکمت و علم پاداش الهی در برابر احسان او بود. «وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (سوره قصص: ۱۴) فقه رهبر حکیم به او حکم می‌کند که برای اصلاح جامعه، باید ابتدا به سراغ ریشه‌ها و سرچشمه‌های فسق و فساد رفت «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَيْهِ» (همان: ۳۲).

- ارتباط مستقیم میان زهد و عبد بودن در برابر دستور خدای سبحان و نصرت الهی: عبد یعنی به‌جای من می‌خواهم، من این را دوست دارم، بین دستور چیست؟ «فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ» (سوره قصص: ۷) اگر به دستور الهی عمل شود، نتیجه همراهی هستی با عبد به اذن الهی است. لذا مرحوم شاه‌آبادی استاد اخلاق حضرت امام (ره) می‌فرمود که قدرت انسان مافوق خیال و تصور او است. (پناهیان: ۱۳۹۵/۷/۱۹) اساساً فلسفه دستورات الهی و عبد بودن بنده در برابر دستورات خدای سبحان، این است که اراده الهی تعلق به این گرفته که داشته‌های عبد زاهدش را بر خواسته‌هایش فزونی بخشد. بدیهی است، تفویض قدرت از سوی خداوند، قدرتمند شدن، پیروزی و نصرت الهی در امور را در پی دارد. مادر حضرت موسی (ع) با وجود الهام الهی باز دلش می‌لرزید و اگر خدای سبحان دل او را محکم نمی‌کرد، سرنوشت به گونه دیگری رقم می‌خورد. «إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره قصص: ۱۰) از این رو یکی از نشانه‌های

ایمان، اعتماد و اطمینان قلبی داشتن به وعده‌های الهی و تخلف‌ناپذیری آن‌ها است «أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (همان: ۱۳) در نقطه مقابل افشای اسرار از نشانه‌های ضعف ایمان است.

- توجه به کانون گرم و محبت خانواده: «فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ» (همان: ۱۲) کانون گرم و محبت خانواده یکی از سازوکارهای اساسی اجتماعی بُعد دهنده به قدرت نرم و به‌عنوان عامل کشش‌های الزامی برای شکل‌گیری جامعه و تأمین‌کننده منابع انسانی تزکیه شده و واجد کشش‌های ارادی برای ایجاد سرمایه اجتماعی قدرت نرم است.

- پایه‌گذاری ترویج فرهنگ کار و مدیریت از هسته خانواده: «امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ» دختران پیامبر خدا هم وقتی پدر از کار افتاده است، آن‌ها چوپانی می‌کنند اما هرگز برای تأمین بعد اقتصادی و معیشت تن به ذلت و گدایی و بی‌حیایی نمی‌دهند کار، عار نیست، اولیای خدا نیز کار می‌کرده‌اند. «اسْتَأْجَرْتُ» (همان: ۲۳) در این داستان ضمن مشورت تصمیم نهایی با رئیس خانواده است. «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِخْدَىٰ ابْنَيْ هَاتَيْنِ عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حِجَّجٍ» (همان: ۲۷) لازم نیست مهریه ثروت باشد. به اقتضای سبک زندگی الهی، هشت حج برای خانواده دختر کار کند. «عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حِجَّجٍ»؛ پدر و مادر، بهترین مرجع برای حل مشکلات فرزندان هستند. «يَا أَبَتِ»؛ کسانی که به کارگران و زیردستان خود سخت‌گیری می‌کنند، انسان‌هایی ناصالح هستند. «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» (همان) پیشگیری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی که قدرت نرم متعالیه را می‌سوزاند در گرو سبک زندگی و ازدواج‌های با بنیان مستحکم اما آسان است «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ» اگر کاری بر اساس جوانمردی و ضعیف‌ناواری انجام شود، علاوه بر اجر معنوی، پاداش دنیوی و تولید سرمایه اجتماعی را نیز در پی دارد. «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ» (تا ساعاتی پیش حتی بر جان خود ایمن نبود، اینک علاوه بر امنیت، صاحب زن و زندگی و کار می‌شود).

- توجه به عناصر توانایی، تخصص و بهترین‌ها در گزینش منابع انسانی: «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (سوره بقره: ۲۴۷) «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» «خَيْرٌ مِّنْ اسْتَأْجَرْتُ» توانایی‌ها و امانتداری‌ها را باید در شرایط عادی و بدون توجه طرف، شناسایی و احراز کرد. «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» غالب افراد با تصنع، تملق و ریاکاری، واقعیت خود را می‌پوشانند؛ اما حضرت موسی در یک صحنه طبیعی، با یک کار حمایتی و برخورد عقیفانه، خود را نشان داد (سوره قصص: ۲۶). در گزینش مسئولان لازم نیست که مسئولان، در همه کمالات، برترین باشند، بلکه باید من حیث المجموع لایق باشند. با

این که مسئول اصلی موسی بود، ولی در بعضی جهات هارون قوی تر بود. «هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي» (همان: ۳۴) (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۵۴)

- ضرورت رسانه و خبررسانی به موقع و سوز و سرعت در کار مؤمنان: «وَ جَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ...» (سوره قصص: ۲۰) چه بسا، اگر این مرد اخبار را به موقع به حضرت موسی ع نمی رساند و آن حضرت از شهر بیرون نمی رفت و کشته می شد.

- آمادگی مستمر مصلحان جامعه برای ایجاد ظرفیت از طریق هجرت و کسب تجربه، دانش تأویل حوادث «أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا» (سوره کهف: ۶۶) و اشراف محیطی به ویژه آگاهی نسبت به بُعد فرهنگی آن: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (سوره قصص: ۲۱) زن و فرزند نباید مانع حرکت، هجرت و انجام مسئولیت ها شوند، چنانکه مرد هم نباید آن ها را رها کند، بلکه باید در کنار و همراه یکدیگر باشند. «سَارَ بِأَهْلِهِ» مرد، مسئول رفع نیازمندی های همسر و خانواده خود است. «لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» برای رسیدن به مقامات عالی عرفان، لازم نیست با زن و فرزند متارکه کنیم، بلکه می توان به طور عادی و طبیعی و ساده زندگی کرد و به بالاترین درجات عرفان نیز رسید. «سَارَ بِأَهْلِهِ... قَالَ لِأَهْلِهِ... لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» (سوره قصص: ۲) یکی از عوامل اصلی ماندگاری و الگو شدن قیام اباعبدالله الحسین (ع) در جهان قیام همراه با اهل بیت علیهم السلام بود. چراکه با این نوع اقدام گستره مأموریت اعمال قدرت نرم با شکل گیری ارتباطات و تعاملات چهره به چهره و نفس به نفس توسعه می یابد (عالی: ۹۶/۸/۳).

- امیدوار بودن به هدایت الهی و امداد الهی در همه حال: «عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ» (سوره قصص: ۲۲) بدون استمداد از خدا و گفتن انشاء الله، برای آینده وعده ای نباید داد. «إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» (همان: ۲۷) حتی انبیا به امید و اطمینان خاطر نیاز دارند. خداوند به موسی و هارون و پیروانشان وعده پیروزی داد و آنان را امیدوار کرد. «أَنْتُمْ وَمَنْ أَتَّبَعَكُمْ أَلْغَابُونَ» (همان: ۳۵) حضرت موسی تا لحظه ای که دریا را در جلو و دشمن را پشت سر خود دید خبر از برنامه نداشت، اما ایمان به هدایت الهی همواره در او بود و لذا فرمود: «إِنْ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» در برابر تکذیب کفار که معجزات را سحر می خوانند، باید به خدای سبحان توکل کرد «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ» (همان: ۳۶). در همه

حال توجه داشت که خدای سبحان هیچ مردمی را بی‌راهر و راهنما نگذاشته است. «رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ» هدایت‌یافتگان، خوش عاقبتند. «لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ»

- لزوم توجه به معاد، در تصمیم‌سازی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، اجرا و نظارت‌ها: در رأس برنامه‌های انبیاء توجه به معاد قرار دارد. «وَقَالَ مُوسَىٰ... مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ» (همان: ۳۷) غفلت از یاد مرگ، گذرا بودن دنیا و گمان به جاودانگی، زمینه‌ساز خوی استکباری و سوزاننده قدرت نرم است. «وَوَطَّنُوا إِنَّهُمْ لَأَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۵۹) «وَوَسْتَكْبَرُوا هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَوَطَّنُوا إِنَّهُمْ لَأَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ» (سوره قصص: ۳۹) (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۵۶-۵۷).

- حفظ روابط سالم اجتماعی: «لَا نَسْتَقِي حَتَّىٰ يُصَدِّرَ الرَّعَاءُ» (سوره قصص، ۲۸: ۲۳) «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ» (همان: ۲۳) «امام رضا (ع) فرمود: «حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت‌داری این جوان را فهمیدی که او را امین می‌خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر من، مرا راهنمایی کن». تا مبادا به قامت من چشم بدوزد؛ دفع شبهه در مواقعی که فرد در موضع غیرعادی قرار دارد «وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (همان: ۲۳) (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۴۰).

- خدمت‌رسانی خالصانه به مردم و در عین حال حل مشکلات خود را از خدای سبحان خواستن: «فَسَقَىٰ لَهُمَا ... فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (سوره قصص: ۲۴)؛ در دعا برای خدای سبحان تکلیف و مصداق معین نکردن و رعایت نمودن آداب دعا «لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» حضرت با آن‌که گرسنه بود ولی از خدا، نان و غذا طلب نکرد و خیر الهی را خواستار شد. منابع انسانی با این ویژگی گسست میان خواسته‌ها، داشته‌ها و بایسته را به‌خوبی مدیریت می‌نمایند و سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند.

- حفظ تعادل میان قوای انسانی: برای مثال جدی گرفتن غریزه جنسی به مدیریت قوه عاقله انسان کمک می‌کند. حتی در خانه نبوت، برای سلامت محیط خانه و کار، ابتدا به امر ازدواج اقدام و سپس به استخدام توجه می‌شود. «أَرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ- عَلِيٌّ أَنْ تَأْجُرَنِي» همه این‌ها باهم سرمایه اجتماعی قدرت نرم را می‌سازد.

۳۲ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷

- روحیه مراجعه به گروه‌های مرجع و بیان حوادث برای خبرگان، اهل تفسیر و تحلیل: «وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقُصَصَ قَالَ لَاتَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (سوره قصص: ۲۵) در این صورت سازوکار مشورت و فرهنگ مشارکت‌جویی و حضور در صحنه، کار گروهی و جمعی در جامعه نهادینه می‌شود. چنین پشتوانه‌ای برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از طریق فرد و ایجاد ساختارهای مطلوب، تولید قدرت می‌کند.

- در کنار اولیای الهی بودن خود یک نوع ایمنی و احساس امنیت است: «لَاتَخَفْ نَجَوْتَ» این در شرایطی که رابطه سببی می‌شود تشدید می‌گردد. «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵-۴۴).

- ضرورت کاربرد توأمان قدرت سخت و نرم (قدرت هوشمند) در معجزه برای نشان دادن نمود قهر و لطف الهی: «تَهْتَرُ كَأَنهَآ جَانٌ * تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ» (سوره قصص: ۲-۳۱).

- ارشاد و دعوت باید پشتوانه منطقی و الهی داشته باشد: «فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ» (همان: ۳۲) مار شدن عصا و سفید شدن دست، نشانه‌ای از تشویق و تنبیه، انذار و بشارت است که دو عنصر اساسی در زمینه تربیت است. «بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج: ۷: ۵۲).

- واندادن و کم نگذاشتن در امر تزکیه، تعلیم، تربیت و مدیریت منابع انسانی به خاطر فراز و نشیب‌های موجود در یک سنت الهی: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي» (سوره قصص: ۲۲) و توجه به این که ستمگران، سرنوشت مشترکی دارند. «عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» مهم عاقبت کار است، نه جلوه‌های زودگذر آن «فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانَظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (همان: ۴۰) (قرائتی، ۱۳۸۸، ج: ۷: ۶۰).

با توجه به آنچه بیان شد، سرگذشت حضرت موسی (ع) یک مصداق عینی و تحقق‌یافته و عبرت‌آموز است. در این داستان به‌طور مشخص بیان شد که قدرت نرم با مؤلفه‌هایی چون خیرخواهی، جذابیت، اقتاع، هیبت، شکوه، عظمت و زیبایی در ابعاد مختلف به‌ویژه فرهنگی و مهم‌ترین عنصر آن ارزش‌ها و شاخص‌هایی چون حیاء، تقوا، کار، استقامت و صبر که حکایت از ابتنای آن بر فطرت مخموره می‌کند، شکل می‌گیرد و ظهور و بروز پیدا می‌کند و در این صورت از نگاه قرآن کریم می‌توان آن را قدرت نرم حقیقی نامید. انسان با یافتن و حفاظت از این فطرت می‌تواند همچون حضرت موسی (ع) به اذن الهی هستی را با خود همراه کند. در خصوص حضرت یوسف نبی هم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ» (سوره یوسف: ۲۱ و ۵۱)

حضرت یوسف چنان ظرفیتی را در خود ایجاد کرد که علت هستی بخش پازل قدرت نرم را به گونه‌ای برای آن حضرت کامل کرد که توانست مصر را فتح کند. درحالی که در زمان برده بودنش، اگر کسی این حقیقت را خبر می‌داد، باور کردنش مشکل می‌نمود. سرنگونی سپاه ابرهه با پرندگان ابابیل، حفظ جان پیامبر اسلام با تار عنکبوت، آموزش دفن میت با کلاغ، اثبات پاکی مریم علیها السلام، سخن گفتن حضرت عیسی (ع) در نوزادی (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴:۲۰۰) نمونه‌هایی از این نوع قدرت نرم در قرآن کریم‌اند.

قدرت نرم کاذب: قدرت جبهه کفار فی‌الجمله در قرآن کریم توصیف شده است. به‌طور کلی انسان‌ها اعم از کافر و مسلمان از توانائی انجام کارهای خود و دیگران و به میزانی از تأثیرگذاری بر روی دیگران برخوردار می‌باشند و همین توان و قدرت است که منشأ تکلیف و مسئولیت و مقدمه مؤاخذه اخروی و دنیوی است. «فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا» (سوره اسراء: ۱۰۳) در موردی به اطرافیان و یاران قارون که کلید گنج‌های او را حمل می‌کردند «أُولَى الْقُوَّةِ: گروه نیرومند» تعبیر شده است (سوره قصص: ۷۶) در قرآن، قوم عاد و ثمود نیز به افراد قدرتمندی یاد شده‌اند که دارای کاخ عمارت‌های برافراشته و کشتزارهای فراوان بوده‌اند. ولی خداوند سرنوشت و عاقبت سوء آن‌ها را درس عبرتی برای دیگران که دارای قدرت کمتری از آن‌ها هستند، می‌داند و به قدرتمندان دیروز و امروز یادآوری می‌کند (سوره روم: ۹) از سوی دیگر برای تقویت قلب و روحیه رسول خدا (ص) و تهدید و تحقیر اهل مکه می‌فرماید: «وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْنَاكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ» (سوره محمد: ۱۳) «وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ» (سوره نمل: ۷۰) مکر آن‌ها به‌عنوان پدیده‌ای ضد ارزش، سبب سوزاندن قدرت نرم آن‌ها گردید.

از آنجا که قدرت نرم حقیقی از آن خداوند است؛ هرگاه حکمت خدای سبحان اقتضاء نموده که جنیانی همچون عفریت و کفار تا حدودی از آن برخوردار باشند، این امر تحقق یافته است. ولی کافران با دیدن این قدرت خود که می‌توانند در دنیای مادی تأثیرگذار باشند دچار این توهم می‌شوند که بر امور عالم قادر هستند. یکی از این موارد درباره فرزندان باغداری است که بعد از پیر و فرتوت شدن پدر بنا داشتند برخلاف رسم هرساله پدر که بخشی از محصولات باغ را به مستمندان می‌داد، آن‌ها را از این امر محروم کنند و وقتی با این تصمیم برای برداشت محصول به باغ رفتند مواجه شدند که باغ آن‌ها تبدیل به خاکستر شده است. خداوند به دلیل چنین نیت

۳۴ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷

آلوده‌ای ایشان را مجازات نمود (سوره قلم: ۳۳-۲۱). بنابراین تفاسیر مراد از «قادین» توهم قدرت است، یعنی با این گمان که می‌توانند فقراء را از محصول باغ خود محروم نمایند، قصد باغ کردند که چنین توهمی به وقوع نپیوست (طبرسی ۱۳۶۰، ج ۲۵: ۲۲۹ و مکارم شیرازی ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۳۹۸). برای حاکمان قدرتمند زورمدار این توهم به دلیل مبسوط الید بودن آن‌ها در اداره امور بیشتر نمود دارد. نمرود به دلیل قدرت بی‌انتهایی که برای خود متصور می‌دید خود را خدای عالم می‌دید و با حضرت ابراهیم (ع) درباره پروردگارش مجاجه نمود و حضرت ابراهیم با بیان این‌که اگر واقعاً خود را قدرتمند می‌دانی؛ خورشید را که از مشرق طلوع می‌کند از مغرب بیرون بیاور به توهم او مبنی قدرت بر اعمال نظر در عالم تکوین پایان می‌دهد (سوره بقره: ۲۵۸).

از نگاه قرآن کریم قدرت نرم کفار و حتی عفریت فاقد حقانیت است. این نکته با مقایسه قدرت نرم «أصف برخیا» و «عفریت» مشخص می‌شود. «قَالَ عَفْرَيْتُ مَنْ الْجِنِّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» (سوره نمل: ۳۹) «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي...» (همان: ۴۰). خداوند متعال می‌فرماید «أصف برخیا» کسی است علم الكتاب نزد اوست. شاخص آن نیز در آیه کریمه آوردن تخت بلقیس قبل از چشم بر هم زدنی بیان شده است، او هم توانمندیش را از فضل الهی می‌داند؛ اما در خصوص عفریت از چنین سرعت و قداستی برخوردار نیست؛ بنابراین خیلی‌ها ممکن است بتوانند کاری نظیر جن عفریت انجام دهند، اما از حقانیت بی‌بهره است و کاذب بودن آن با تدبیر (مکر) الهی آشکار می‌گردد. ضمن این‌که در این موارد باید جهت عمل را دید. اگر جهت عمل دعوت به خدا نباشد، فاقد حقانیت است (رفیعی: ۱۳۹۵/۴/۹). البته با اراده الهی جنیان به‌عنوان عوامل اعمال قدرت نرم در خدمت حضرت سلیمان بودند. «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَتٍ اعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورِ» (وَ الشَّيَاطِينُ كُلُّ بَنَاءٍ وَ غَوَاصٍ* وَ ءَاخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ) (سوره سباء: ۱۴-۱۳)

در قرآن کریم قیاسی مبتنی بر میزان اکبر، در خصوص داستان درخواست پادشاه مصر از معبرانی که به منشأ و علل العلل قدرت نرم وصل نبودند، آمده است. (سوره یوسف: ۵-۴۴) این قیاس زبان حال این معبران است ضمن این‌که قدرت نرم کاذب را هم معرفی می‌نماید. رؤیای پادشاه اضغاث احلام است. هیچ اضغاث احلامی برای ما معلوم نیست تا تعبیر کنیم. رؤیای پادشاه برای ما معلوم نیست تا تعبیر کنیم. از سیاق آیات قرآن کریم در این داستان استفاده می‌شود، چون

یوسف نبی متصل به منبع اصلی قدرت نرم است و مبتنی بر ارزش‌ها رفتار می‌کند، این خواب را به درستی تعبیر می‌کند... (سوره یوسف: ۶)

در نمونه‌ای دیگر قرآن کریم بر اساس میزان اوسط کاذب بودن قدرت نرم را این‌گونه اثبات می‌کند: «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره جمعه: ۶). هیچ یهودی آرزوی مرگ نمی‌کند. هر دوستدار خدا آرزوی مرگ می‌کند. هیچ یهودی دوستدار خدا نیست (شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۱-۳۱۰).

در این میزان یهود متصف به وصفی شده که این وصف از دوستدار خدا سلب شده است و دو پدیده متباین هستند، در حقیقت کسی که خدا را دوست ندارد، آماده جانفشانی در راه او نیست. چنین فردی از قدرت نرم الهی بی‌بهره می‌ماند. در نقطه مقابل مؤمنانی هستند که قرآن در وصفشان «ریبون کثیراً» (سوره آل عمران: ۱۴۶) و «رِجَالٌ صَدَقُوا» را می‌فرماید (احزاب: ۲۳). خداوند سبحان در آیات کریمه «قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ * وَالْقِيَامَ فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ» (سوره طه: ۹-۶۸)

تفاوت میان دو نوع قدرت نرم را به وضوح و شفاف نشان می‌دهد. در جمله «إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ» جمله اسمیه، ضمیر متصل و سپس ضمیر منفصل، «الف و لام» و کلمه «اعلی» آرامش دادن و رفع دغدغه حضرت موسی (ع) می‌رساند. دغدغه حضرت این بود که جهل مردم مانع تمایز قائل شدن میان معجزه و سحر شود و محاجه به نتیجه‌ای نرسد. «فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ» (سوره طه: ۶۷) معجزه چنان شفاف و بین بود که آیه کریمه با آوردن قیاس استنباط آن را تبیین می‌فرماید. در این استدلال «مَا صَنَعُوا» حد وسط است.

در حقیقت قدرت نرم حقیقی حضرت موسی (ع) قدرت نرم کاذب (سحر) را بلعید. چون اگر مردم میدان را این‌گونه مشاهده می‌کردند «که؛ این‌ها مارهای سحره فرعون است. این مار بزرگ موسی است. مار بزرگ مارهای کوچک را خورد. این‌ها همه بازی بود.» محاجه به نتیجه نمی‌رسید. همین‌که کارشناسان (سحره) با وجود ترس از خطرات در پیش، ناگهان به سجده افتادند «فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا أَمَّا رَبُّ هَارُونَ وَ مُوسَىٰ» (سوره طه: ۷۰). نشان از داستان بلعیدن طناب‌ها و چوب‌های ساحران نیست. بلکه هست و نیست سحره یعنی «کیدشان» باطل گردید و از اساس برچیده شد. مثل برآمدن خورشید و مشخص گردیدن این حقیقت که تمام آن موجودات موهوم و خیالی که در تاریکی به نظر رهگذر می‌آمد، هیچ پایه و اساسی نداشت (جوادی آملی، تسنیم،

کتابخانه الکترونیکی اسراء: جلسات ۲۳-۲۶). قرآن کریم مرز میان قدرت نرم حقیقی از کاذب را در آیه کریمه «وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ» (سوره مؤمنون: ۷۱) شفاف بیان می‌کند. تبعیت عامل و کارگزار قدرت نرم حقیقی (متعالیه) از هوای نفس که از جنس قدرت نرم متدانیه است، آن را استحاله می‌کند. از این رو حضرت امام (ره) از موضع نظریه‌پرداز ولایت فقیه و کارشناس دین می‌فرماید «فقیه اگر یک کلمه دروغ بگوید، یک قدم برخلاف بگذارد، ولایت ندارد... خود به خود ساقط می‌شود.» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۳۰۶) موضوع نفوذ که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مکرر مورد تأکید قرار می‌دهند (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی): ۱۳۹۴/۶/۲۵) از همین منظر که سنخیتی با جبهه حق ندارد و قدرت نرم رامی سوزاند، حائز اهمیت است.

در نگاه کلی از دیدگاه قرآن کریم در قدرت نرم متعالیه باطل راهی ندارد و اگر کارگزار بخواهد جزئی از اجزای قدرت نرم متدانیه را به آن ضمیمه نماید، حکم نخ غصبی در لباس نمازگزار را دارد، چون هماهنگی و سنخیتی با قدرت نرم متعالیه ندارد. قدرت نرم متدانیه به مثابه بنایی است که مصالح آن خشت خام و گل است که این مصالح در ساختمانی که با مصالح فولاد و آهن در حال ساخت است، تناسب ندارد. هر کیدی از نوع سحره فرعون، از جنس قدرت نرم متدانیه است. اگر انسان خواسته‌هایش را کنترل کرده و مهار کند، با اسبابی که خداوند در اختیارش قرار می‌دهد، داشته‌هایش را افزایش می‌دهد، قدرتمند می‌گردد و از غیر خدا نمی‌ترسد. از آموزه‌های قرآنی هم همین معنا مستفاد می‌شود.

وقتی پدیده‌هایی مثل سنگریزه‌ها و تار عنکبوت با قدرت نرم قرآنی شارژ شوند، به گونه‌ای دیگر می‌گردند و اجازه نمی‌دهند ویروس ترس وارد وجود کارگزار شود و در سخت‌ترین شرایط به نصرت الهی امیدوار گردد. برای نمونه حضرت ابراهیم (ع) در آن شرایط خاص یاری فرشته را نمی‌پذیرد و خدا را شاهد و ناظر وضعیت خود معرفی می‌کند که اگر بخواهد کمک می‌کند. بر اساس حدیث قرب نوافل در این شرایط دست، چشم و ... قدرت الهی می‌شود، چوب اژدها می‌گردد، اقیانوس باز می‌شود. قدرت نرم حقیقی گامی در جهت تئوریزه نمودن ان تنصرالله... است. در مشابهت‌سازی‌هایی مثل داعش و طالبان که به راه انداختند، پدیده‌هایی مثل مرسی چنین چیزی وجود ندارد، از این رو ابتر ماندند. این‌ها بدیل‌هایی است که از روی وهم برای انقلاب

اسلامی ایجاد کردند. در حالی که از الله اکبر متحجرانه و فاقد بن مایه الهی چیزی بیرون نمی آید، از این رو وهمی و کاذب‌اند.

تفاوت در مبانی سبب می‌گردد تا خروجی اعمال قدرت متدانیه نفی حاکمیت الله، جنود عقل و فضایل و ترویج عبودیت و بندگی شیطان و حاکمیت او باشد که به رویارویی حق و باطل می‌انجامد. جنگ نرم تهاجمی و تدافعی و جهاد کبیر هم در این شرایط موضوعیت دارد که بحث مستقلی را می‌طلبد. در حوزه اجتماع اگر ساختارها اعم از نهادها به‌خصوص نهادهای اولیه و سازمان‌ها، گروه‌های اجتماعی، انجمن‌ها بر مبانی توحیدی شکل گرفته و به‌وسیله انسان‌های متعالی مدیریت، تدبیر و اداره شوند، جامعه را به سمت متعالی شدن و «شَجَرَةُ طَيِّبَةٍ» (سوره ابراهیم: ۲۴). «بَلَدًا آمِنًا» (سوره بقره: ۱۲۶) و «بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ» (سوره سبأ: ۱۵) قرب الهی هدایت می‌کنند. ساختارهایی چون قرارگاه‌های فرهنگی مساجد و مانورهای جمعیتی در مصلاهای نماز جمعه و... در این راستا شاخص‌اند؛ اما در صورتی که ساختارها حتی اگر کانون‌های مساجد و جایگاه نماز جمعه باشد، در اختیار انسان‌های متدانی «أُمَّةً الْكُفْرُ» (سوره توبه: ۱۲) و اسیر شهوات «زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرثِ» (سوره آل عمران: ۱۴) قرار گیرد، قدرت نرم متدانیه تولید می‌شود و خروجی «شَجَرَةُ خَبِيثَةٍ» (سوره ابراهیم: ۲۶) و «بَلَدَةٌ الْكُفْرُ» و «بَلَدَةٌ مَيِّتًا» خواهد بود. چنانچه در صدر اسلام، جامعه اسلامی نماز جمعه خواندن معاویه و مسجد ضرار منافقین را تجربه کرده است.

نتیجه گیری: مراجعه به تفاسیر در قالب چارچوب نظری دو فطرت، نشان داد، از نگاه قرآن کریم تفاوت در جنس مبانی، سبب شکل‌گیری دو نوع قدرت نرم حقیقی و کاذب می‌گردد. نوع حقیقی متّصف به متعالیه است، چون خاستگاهش علة العلل هستی است و فرد و جامعه از طریق تمسک به ارزش‌های مورد تأکید قرآن کریم و دوری از ضد ارزش‌ها آن را تولید و تکثیر می‌کند، به محضر خدای سبحان بار می‌یابد و متعالی می‌گردد. هرچه شدت و غلاظ این حضور و تقرب متعالی‌تر و درونی کردن ارزش‌های الهی عمیق‌تر باشد، ذات هستی‌بخش، ممکنات را در چارچوب نظام آفرینش با آن‌ها هماهنگ‌تر و همراه‌تر می‌کند. این فرآیند تا آنجا تعالی می‌یابد که به‌مثابه «مثل الاعلی» الهی گونه قدرت نرم متعالیه جلوه می‌نماید و با قدرت خدا امور را پیش می‌رود. چنانچه در خصوص حضرت موسی و یوسف نبی علیهماالسلام نشان داده شد. از این رو می‌توان گفت قدرت نرم متعالیه عبارت است از توانایی ایجاد تغییر در منظومه فکری، ارزشی و نظام رفتاری

طرف مقابل؛ توانایی اقناع، تحریک، تهییج، جذب، سازمان‌دهی، بسیج، تدبیر، ابتکار، نوآوری
خلاقیت و مدیریت آن‌ها با روش‌های کم‌هزینه و مشروع مثل مدیریت جهادی برای نیل به مقاصد
و اهداف الهی و غایت قرب الهی. در نقطهٔ مقابل اگر معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و
روش‌شناسی الهی نباشد، روش‌ها، ابزارها، مقاصد و غایات مبتنی بر نگاه مادی و تحمیق و اغوا
باشد، قدرت نرم متدانیه است. از این رو اجزای این دو نوع قدرت با هم سنخیتی ندارند و راهبرد
التقاط در کاربرد اجزای قدرت نرم متدانیه در اعمال قدرت نرم متعالیه، در حکم نخ در لباس
غصبی است و سبب حبط عمل می‌گردد. از این رو همواره در تقابل با یکدیگر قرار دارند و حسن
عاقبت با اولی است.

منابع :

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۹۰)، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۹)، قم، نشر مشرقین، چاپ اول.
- موسوی خمینی (ره)، روح ...، نرم افزار مجموعه آثار.
- _____، _____ (۱۳۷۴)، صحیفه امام، بیانات مندرج در نرم افزار نور.
- _____، _____ (بی تا)، الهدایه الی الخلافه و الولایه، تهران.
- _____، _____ (۱۳۷۸)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
- بهمنی، سعید (۱۳۹۴)، منطق پاسخ دهی قرآن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت، گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره سوم، شماره مسلسل ۲۵ (پاییز).
- _____، _____ (۱۳۸۹)، تهدید نرم، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده امنیت.
- _____، _____ (۱۳۸۴- الف)، گذار امنیتی؛ تحول نظریه امنیت امت در پی رحلت رسول خدا (ص)، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره اول، شماره مسلسل ۲۷ (بهار).
- _____، _____ (۱۳۸۴- ب)، تکوین نظریه امنیت علوی؛ تحلیل دوران قبل از حکومت امام علی (ع)، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم، شماره مسلسل ۲۸ (تابستان).
- جواد آملی، عبدالله (۹۰/۱۱/۲۶)، تسنیم، قم، سایت مؤسسه اسراء، کتابخانه الکترونیکی اسراء.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۷۸)، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۹)، روش‌های پژوهش آمیخته (باتأکید بر بومی سازی)، تهران، یادواره کتاب.

۴۰ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۳۹۷ ————— ♦

- ره پیک، سیامک (۱۳۷۸)، *تهدیدات قدرت ملی؛ شاخص ها و ابعاد*، چاپ اول، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
 - رنجبر، مقصود (۱۳۸۴)، *مفهوم امنیت در اندیشه سده های میانه*، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱.
 - شیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا) (۱۳۶۳)، *مفاتیح الغیب*، تصحیح محمدخواجهی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
 - طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 - طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۵، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
 - قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
 - محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، *منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه پانزده خرداد، شماره ۱۶.
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 - نای، جوزف، *قدرت نرم*، ترجمه محمود عسکری، تهران: بی نا و بی تا.
 - _____، _____ (۱۳۸۳)، *کاربرد قدرت نرم*، ترجمه سید رضا میر طاهر، فصلنامه راهبردی دفاعی، شماره ۶.
 - گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷)، *جمهوری اسلامی ایران؛ و قدرت نرم*، تهران، شاران.
 - احمدی، محمدرضا (۱۳۹۵/۹/۲۲)، *مصاحبه*.
 - لکزایی، نجف (۱۳۹۲/۸/۱۹، ۱۳۹۴/۳/۱۷، ۱۳۹۵/۱۱/۲۳)، *مصاحبه*.
 - معرفت، محمد هادی (۱۳۸۴)، *تفسیر و مفسران*، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ سوم.
- Oxford Advanced learner,s Dictionary, p, 411, 20
 - Glaser, B.G. & Strauss, L 1997, *The Discovery Of Grounded Theory: Strategies*
 - Nye, Soft power, foreign policy, fall 1990
 - Nye, Soft power, Newyork: public affairs 2004